



شماره ۳۰

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

بخش ادبیات (فردوسی و شاهنامه ...)

فردوسی و شاهنامه

به پاس مسلمانی و دین‌داری و خردورزی و اندیشمندی و فرهیختگی و فرزاندگی و رابردی آزاده‌های ایرانی، اما جهان شمول و جهانی اندیش که یکتاپرستی و دین‌باوری و وطن‌دوستی و ملی‌گرایی و حکمت‌آموزی و سخنوری و دانشمندی و انسان‌دوستی و ستودنی‌بودن وی در گستره شکفت‌انگیز تاریخ فرهنگ و ادبیات ایران زمین از یک هزار سال قبل تا امروز، همچنان استوار است و پا برجاست و در گستره‌های دیگر و به وسعت جاودانگی علم و دانش و اندیشه‌ی بشری همچنان پیش‌تاز است و پویا، و تعظیم و تکریم بر آستان مقدس عقل و حکمت و خرد وی که تا واپسین روز خردورزی، همچنان پادشاه بی‌چون و چرای سرزمین سرسبز اندیشه‌سالاران گیتی خواهد بود و از او همواره به عنوان نخستین پارسی‌گوی جاویدان در گستره پهناور ادب و حکمت ایران زمین و بزرگ‌ترین حماسه‌سرای گیتی یاد خواهد شد، ما تلاش خواهیم کرد که بخشی از صفحات مجله‌ی فردوسی را از نخستین شماره تا واپسین آن به حماسه‌ی پرشور، شکفت‌انگیز، ملی، حکیمانه، پندآموز و بی‌مانند گیتی «شاهنامه» اختصاص دهیم تا اگر بتوانیم سهمی کوچک از آن مسئولیت بزرگ را که تاریخ تمدن و فرهنگ چندین هزار ساله‌ی سرزمینمان به ما واگذار کرده است و آن نیز وامدار داستان توانای این افسونگر جاودانی اندیشه و قلم است، تقدیم کنیم.

باشد تا اندیشمندان و خردورزان، بی‌بضاعتی ما را در مقابله با گستره بی‌حد و اندازه علم و ادب و حکمت شاهنامه و اقیانوس خروشان حکمت آن رابرد بزرگ به بازی بگیرند و این پژوهش بیش‌تر از دو دهه را که پیرامون فردوسی، شاهنامه، شاهنامه‌شناسان جهان، نسخه‌های خطی و منحصراً به فرد جهان، نسخه‌های چاپی، مقدمه‌ها، دیباچه‌ها، تحلیل، تفسیر، واژه‌نگاری، فرهنگ واژگان، جدا کردن بیت‌های اصلی و الحاقی، تعریف معماها، تفسیر و نقد داستان‌ها و تراژدی‌ها، معاصران فردوسی، اوضاع سیاسی و اجتماعی قرن‌های چهارم و پنجم هجری، داستان تخیلی فردوسی و سلطان محمود، رابطه‌ی فردوسی با دربار سلطان محمود غزنوی، داستان‌های تخیلی و ساختگی زندگی فردوسی و ... در ۱۵ جلد انجام پذیرفته و در حال حروف‌چینی است به چیزی بخردند و جان ما را از اسارت کلاب ناآگاهی‌های هم‌زاد انسان برهاندند و با سپاه راهبان عقل و خرد و اندیشه سازگار سازند و به بارگاه خردورزان و اندیشه‌سالاران زمان فرا خوانند.

انشاء‌الله.

محمد کریمی

توضیح -

- ۱ - به باور ما پیش از وارد شدن در فضای حماسه و اشعار شاهنامه، شناسنامه آن است که از مقدمه‌ها، پیش‌گفتارها، دیباچه‌ها و مطالبی که درباره شاهنامه گفته‌اند و نوشته‌اند اطلاعاتی مختصر، اما مفید داشته باشیم تا با توجه به آن دیباچه، مبنای قضاوت بعدی ما پایه‌ریزی شود. به همین منظور مجله‌ی فردوسی قبل از پرداختن به متن اصلی شاهنامه و بیان اشعار آن، بخش‌های آغازین مجله را اختصاص به مقدمه‌ها، پیش‌گفتارها، دیباچه‌ها و ... داده است و متن اصلی و تفسیر و نقد و بررسی اشعار اصلی و الحاقی پس از این مقدمه‌ها خواهد آمد.
- ۲ - مجله‌ی فردوسی از صاحب‌نظران، علاقه‌مندان و شاهنامه‌شناسان درخواست همکاری و هم‌فکری دارد.
- ۳ - نقل و اقتباس کلی و جزئی از مطالب و مستندات این پژوهش فقط در صورت موافقت کتبی سردبیر مجله مجاز است.
- ۴ - علاقه‌مندان به سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی چاپ این شاهنامه‌ی پانزده جلدی و یا خرید سهام سرمایه‌گذاری مربوطه می‌توانند برای بازدید از کارهای انجام شده به دفتر مجله مراجعه نمایند.

«مجله‌ی فردوسی»

شاهنامه‌ی فردوسی

با استفاده از ۱۱ نسخه‌ی خطی و معتبر و منحصر به فرد موجود در جهان و تطبیق علمی بیت‌ها

«دیباچه»

چون مینا و مأخذ شاهنامه‌ای که هم اکنون پیش روی شما است، شاهنامه‌ی چاپ مسکو می‌باشد، بنابراین برای رعایت اصول امانت‌داری بهتر دانستیم آن چه که به عنوان پیش‌گفتار و مقدمه در آن کتاب آمده است، ما در این کتاب نیز نقل کنیم تا خوانندگان اندیشمند در جریان گردآوری، تهیه و تدوین این اثر جاویدان قرار گیرند. در زیر متن کامل پیش‌گفتار و مقدمه‌ای که در شاهنامه‌ی چاپ مسکو آمده است با مختصر تغییرات نوشتاری و با توجه به آیین نگارش روز نقل می‌شود.

توضیح - (انتشارات شاهنامه بر متن اصلی این مقدمه هیچ‌گونه تغییر زیربنایی ایجاد نکرده است. سعی ما این بوده است که متن را با توجه به

اختلافات موجود بین نسخه‌ها را اصلاً نکرده‌اند. با این ترتیب متن‌هایی به دست آمده است که خواندن آن‌ها آسان، اما رابطه‌شان با متن اصلی کتاب فردوسی نامعلوم است.»

«در سال‌های پایانی قرن گذشته (نوزدهم) ا. وولترس (۱. فولترس آلمانی) چاپ دیگری از شاهنامه را منتشر کرد. ا. وولترس دو متن تهیه شده توسط ترنر - ماکان و ژول - مول را با یکدیگر مقایسه نمود و متن خود را بر پایه‌ی این دو چاپ قرار داد و تفاوت آن‌ها را با دقت در پاورقی‌ها نکرده نمود. نسخه‌ی وولترس به علت درگذشت وی ناتمام ماند. این نسخه نیز همانند نسخه‌های قبل از خود، کار تطبیق علمی را در مقایسه‌ی متن‌ها یعنی مراجعه به قلمی‌ترین، بهترین و معتبرترین نسخه‌های خطی حل نکرد و افزون بر این، به نسخه‌های مورد استفاده اشاره نمود و نسخه‌های بلی را نیز مشخص نکرد.»

«هم‌زمان با جشن‌هایی که به مناسبت هزاره فردوسی در ایران برگزار می‌شود، چاپ‌خانه‌ی بروخیم متن ناتمام ا. وولترس را تقریباً بدون تغییر چاپ کرد و بعدها سعید نفیسی کاری را که ا. وولترس و شاگردش لانداس - اوور ناتمام رها کرده

سیکنگارش روز بنویسیم تا مفهوم‌تر باشد): «این پیش‌گفتار خلاصه‌ای است از مقدمه‌ی مفصلی که دانشمند فلیچی برتلیس که در سال ۱۹۷۵ میلادی برگزیده است به زبان روسی به نگارش برآورده است. متن انتقادی شاهنامه‌ی چاپ مسکو تا هنگامی که نامبرده زنده بوده، زیرنظر وی تهیه گردیده است.»

«از آن چه که تاکنون مشخص شده است، نخستین متن کامل و علمی شاهنامه که در قرن گذشته و توسط ترنر - ماکان (انگلیسی) و ژول - مول (فرانسوی) انتشار یافته‌اند، اگر چه از موفقیت چشم‌گیری در زمان انتشار برخوردار بودند، اما آن گونه که باید نیاز متن انتقادی و علمی چنین کتابی را برآورده نمی‌ساختند. نه ترنر - ماکان و نه ژول - مول در مقدمه‌های انتقادی خود آشکارا اعلام نکرده‌اند که کدام نسخه‌ها را مورد استفاده قرار داده‌اند، کدام متن‌ها را بر دیگر متن‌ها ترجیح داده‌اند و از کدام شیوه انتقادی برای تهیه متن خود سود جستند؟ آن چه که آشکار است هر دو نفر نامبرده شمارهای زیادی از نسخه‌های نه چندان قدیمی را پیدا کرده، آن‌ها را با هم مقایسه کرده و متن اصلی را با میل و سلیقه‌ی شخصی انتخاب کرده‌اند و



صفحه ۳۱

توسط ی. برتلس در مقدمه‌ی روسی به تفصیل شرح داده شده است.»

(نکر این نکته ضروری است که هیچ یکی از نسخه‌های مورد استفاده نمی‌توانست (به تنهایی و

مستقل) پایه‌ی متن حاضر قرار گیرد. بنابراین برای تهیه‌کنندگان متن حاضر لازم بود که متن اصلی را پس از مقایسه‌ی دقیق کلیه‌ی نسخه‌های مورد استفاده و با در نظر گرفتن دقیق کلیه‌ی اختلافها و تفاوت‌های آنها، انتخاب نموده، تفاوتها را در پاورقی‌ها قید نمایند تا محققینی که بعداً درباره‌ی متن شاهنامه به بررسی و تحقیق می‌پردازند، امکان داشته باشند تا کلیه‌ی جزئیات کار ما را مورد بررسی و بازبینی دقیق‌تر قرار دهند.»

«محک و معیار شیوه بیان و سبک و زبان شاهنامه در کار ترتیب دادن این متن با کمال احتیاط به کار برده شده است. زیرا موضوع اصلی این است که ما متن اصلی شاهنامه را در اختیار نداریم و فقط کوشش می‌کنیم تا هر قدر که ممکن است به آن (متن اصلی و زبان شاعر) نزدیک شویم. زبان و سبک و شیوه بیان فردوسی را فقط می‌توان از متن اصلی شاهنامه به دست آورد (و بس). بنابراین اگر، اکنون سخن و سبک و شیوه بیان فردوسی را عاملی شناخته شده بدانیم و بخواهیم به وسیله‌ی آن روش تدوین متن حاضر را معین سازیم، دچار اشتباهی منطقی شده‌ایم. زیرا عامل مجهول برای ما نقش معرف بازی خواهد کرد و یا به عبارت دیگر نامعلومی معرف نامعلومی دیگر خواهد شد. (زیرا عامل ناشناخته‌ای وجود دارد و نمی‌تواند به عنوان عامل اصلی، نقش اول را در تدوین شاهنامه‌ای که عین شاهنامه‌ی شاعر باشد بازی کند.) به همین علت فرهنگ ف. ولف که بر پایه‌ی نسخه‌های ترنر - ماکان و ژول - مول، یعنی متن‌های درهم آمیخته و بر اساس نسخه‌های خطی قرون مختلف قرار گرفته، نیز در ترتیب دادن این متن از طرف ما با کمال احتیاط به کار برده شده است.»

«بنابراین، نسخه‌ی حاضر دارای متنی است که از کلیه‌ی متن‌هایی که تاکنون شناخته شده است، قدیمی‌تر بوده و مربوط به قرن‌های هفتم و هشتم هجری می‌باشد. در عین حال، نسخه‌های هم عصر و هم‌انگ این قرن‌ها را که تا آن تاریخ مورد استفاده قرار نگرفته بودند، در دسترس دانش‌پژوهان قرار می‌دهد. بدون شک این متن از متن‌های درهم ریخته‌ی چاپ‌های موجود و نسخه‌های (کشف شده) پس از قرن نهم هجری، به متن اصلی که به قلم فردوسی است نزدیک‌تر می‌باشد.»

«با تمام تلاشی که انجام شده است، متن حاضر را به هیچ وجه نمی‌توان متن آخرین و متن اصلی^۲ و نوشته‌ی خود شاعر به حساب آورد، اما این متن می‌تواند آغازی باشد برای تحقیق و بررسی علمی فیلولوژیک (واژه‌شناسی - زبان‌شناسی) متن اصلی شاهنامه. (در مورد همین پاراگراف در پاورقی صفحه توضیح داده شده است که: «۲* مخصوصاً باید توضیح داد که متأسفانه صفحه‌های اول کلیه‌ی نسخه‌های مورد استفاده معیوب بودند و بدین جهت

که متن آن با متن نسخه‌ی سال ۷۲۲ هم‌خوانی و نزدیکی بیش‌تری دارد استتساخ گردیده است. این نسخه در شاهنامه‌ی چاپ مسکو با علامت شرطی IV مشخص می‌باشد.»

«۳- نسخه‌ی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی بدون تاریخ نگارش، اما به دلیل شیوه نگارش، جنس کاغذ و سبک مینیاتورهای موجود در نسخه می‌توان قضاوت کرد که این نسخه تقریباً در سال ۸۵۰ هجری (یعنی یک سال بعد از نسخه‌ی ریفی ۲ با علامت شرطی IV) استتساخ شده است. در این نسخه اشتباه و غلط بسیار زیاد است. این نسخه نیز دارای مقدمه‌ی قدیم است. به نظر می‌رسد این نسخه از روی نسخه‌ای نوشته شده است که بسیار نزدیک به نسخه‌ی خطی سال ۶۷۵ هجری (یعنی نسخه‌ی موزه بریتانیا ریفی ۱ با علامت شرطی II) می‌باشد. این نسخه در شاهنامه‌ی چاپ مسکو با علامت شرطی VI مشخص می‌باشد.»

«این چهار نسخه دارای متنی است که قبل از تهیه‌ی نسخه‌ی خطی مشهور برای بای سنقر (مشهور به نسخه‌ی بای سنقری) در سال ۸۲۲ هجری (اگر مرگ شاعر بزرگمان در سال ۴۱۰ هجری اتفاق افتاده باشد، این نسخه حدود ۴۲۳ سال پس از مرگ شاعر به نگارش درآمده است.) رواج داشته است. کلیه‌ی اطلاعات و نظریات راجع به «مقدمه قدیم» و نسخه‌ی خطی سال ۸۲۲ هجری توسط ی. برتلس در مقدمه‌ی روسی این جلد شرح داده شده است^۱ و نیز در همین مقدمه ویژگی‌های کلیدی نسخه‌های مورد استفاده به صورت مشروح نکر گردیده است. (در مورد همین پاراگراف در پاورقی صفحه توضیح داده شده است که) «۱* برای دانشین ویژگی‌های نسخه‌ی بای سنقری که میکروفیلم آن پس از درگذشت ی. برتلس از ایران دریافت گردیده است در ترتیب دادن متن حاضر از آن استفاده نشده است. (برای آگاهی) به نظریات مشروح کمپسیون نشر متن انتقادی شاهنامه در مقدمه‌ی روسی مراجعه شود. کمپسیون انتشار متن انتقادی شاهنامه از فرصت (به دست آمده) استفاده نمود و مراتب سپاس خود را به آقای شجاع‌الدین شفا و آقای مهدی بیانی که میکروفیلم نسخه‌ی خطی بای سنقری را برای ما ارسال داشته‌اند، تقدیم می‌دارد. - یادداشت کمپسون - *»

«متن حاضر که بر پایه‌ی چهار نسخه‌ی نامبرده قرار دارد، با ترجمه‌ی عربی شاهنامه نیز که در سال‌های ۶۱۵-۶۲۴ هجری توسط الفتح ابن علی البنداری الاصبهانی انجام یافته است، مطابقت داده شده است. این نسخه در شاهنامه‌ی چاپ مسکو با

علامت شرطی B^۱ مشخص می‌باشد. اما از آنجایی که این ترجمه در بسیاری موارد از ترجمه‌ی دقیق متن صرف‌نظر نموده و به نقل مختصر واقعه قناعت ورزیده است، استفاده از آن برای ترتیب دادن متن حاضر با احتیاط فراوان همراه بوده است. از طرف دیگر بسیاری از جزئیات ترجمه‌ی بنداری برای ترتیب دادن این متن کمک گران بهایی بوده و خصوصیات این ترجمه و شیوه استفاده از آن نیز

بودند به پایان رساند. در نسخه‌ی شاهنامه‌ی چاپ مسکو این نسخه با علامت شرطی T مشخص شده است. (چاپ تهران - بروخیم)»

«متن شاهنامه‌ی چاپخانه‌ی خاور که به مناسبت جشن‌های هزاره فردوسی انتشار یافته است و همچنین نسخه‌ی چاپ دبیر سیاقی که بعداً منتشر گردید، هر دو بر پایه‌ی متن نسخه‌های ترنر - ماکان و ژول - مول استوار هستند.»

«دانشمندان جهان بارها درباره لزوم انتشار متن انتقادی جدیدی از این اثر پر عظمت، دایمانه و دارای اهمیت جهانی، که متکی بر اصول علمی و قدیمی‌ترین و بهترین نسخه‌ها باشد پیشنهادهایی ارائه کرده‌اند. انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی برای انتشار متن نوین علمی شاهنامه راه نوینی جدا از راه‌هایی را که قبلاً وجود داشت، در پیش گرفت. این مؤسسه استفاده از چاپ‌های قبلی را که بر پایه‌ی نسخه‌های خطی نامعلوم و بدون نکر تاریخ تهیه شده‌اند به جز در موارد استثنایی مردود دانسته و بدون فایده تشخیص داد. در عین حال برای تهیه‌ی این نسخه‌ی جدید، مراجعه به تعداد زیادی از نسخه‌های خطی قرون مختلف که دارای غلط‌های آشکار و اشتباهات و اضافات و تحریف‌های فراوان هستند، غیر مفید تشخیص داده شد. بنابراین، برای تهیه یک متن علمی تصمصیم گرفته شد که فقط از قدیمی‌ترین نسخه‌ها که هم از نظر تاریخ نسخه‌نویسی و هم از نظر متن به یکدیگر نزدیک باشند استفاده شود.»

«برای تهیه متن حاضر از نسخه‌های زیر استفاده شده است.»

«۱- نسخه‌ی خطی موزه بریتانیا که در سال ۶۷۵ هجری نوشته شده است. (اگر مرگ شاعر بزرگمان در سال ۴۱۰ هجری اتفاق افتاده باشد این نسخه حدود ۲۶۵ سال پس از مرگ شاعر نوشته شده است. این نسخه از کلیه‌ی نسخه‌های خطی که تا به حال کشف شده‌اند قدیمی‌تر و به نظر ما بهترین نسخه‌ی خطی موجود است.»

«این نسخه در شاهنامه‌ی چاپ مسکو با علامت II مشخص می‌باشد.»

«۲- نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی عمومی لنین گراد که در سال ۷۲۲ هجری نوشته شده (اگر مرگ شاعر بزرگمان در سال ۴۱۰ هجری اتفاق افتاده باشد این نسخه حدود ۳۲۲ سال پس از مرگ شاعر نوشته شده است) و دومین نسخه‌ای است که قدیمی‌تر از دیگر نسخه‌ها می‌باشد. این نسخه در شاهنامه‌ی چاپ مسکو با علامت شرطی I مشخص می‌باشد.»

«۳- نسخه‌ی خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی که در سال ۸۴۹ هجری (اگر مرگ شاعر بزرگمان در سال ۴۱۰ هجری اتفاق افتاده باشد این نسخه حدود ۴۳۹ سال پس از مرگ شاعر به نگارش درآمده است. نوشته شده، اما مقدمه‌ی قدیم شاهنامه در آن آمده است. بنابراین به نظر می‌رسد که این نسخه از روی نسخه‌ای قدیمی‌تر



صفحه ۳۳

متن حاضر از آغاز کتاب تا پانزدهمی کیومرث دارای موارد مشکوک فراوان می‌باشد. قسمتی از متن که پیش‌تر قابل اعتماد است از صفحه ۴۱ (شاهنامه چاپ مسکو) آغاز می‌گردد. رجوع شود به یادداشت شماره ۴ صفحه ۴۱ «در پاورقی صفحه ۴۱ شاهنامه‌ی چاپ مسکو - جلد اول - این زیرنویس یک سطر است و به زبان روسی می‌باشد.» * ۲ به نظر می‌رسد قبل از هر کار دیگر لازم است که شکل تغییرات تاریخی‌ای که متن شاهنامه در جریان قرن‌های متوالی بدان دچار گردیده است، تثبیت گردد، اما انجام یک باره آن به دلیل وجود نسخه‌های خطی بی‌شمار بسیار دشوار است. ما در چاپ حاضر متنی بر مبنای قدیمی‌ترین نسخه‌ها را در دسترس خوانندگان و محققان قرار داده‌ایم. بر پایه‌ی این متن باید فرهنگی «کنکور دانس» (واژه‌نامه‌ای)، نظیر فرهنگ ف - ولف تنظیم گردد. این فرهنگ باید بر پایه‌ی نسخه‌های خطی‌ای که تاریخ نگارش آن‌ها دقیقاً معلوم است، قرار داده شده و در آن نکر شود که هر کلمه در کدام نسخه وجود دارد. چنین فرهنگی نظر ما را نسبت به لغاتی که فردوسی به کار برده است، دقیق‌تر خواهد ساخت و امکان خواهد داد که با مراجعه‌ی همه جانبه به متن، از نو به تحقیق درباره شاهنامه بپردازیم. فقط در این صورت است که می‌توانیم موضوع متن نسبتاً «آخرین» شاهنامه را مطرح کنیم. برای انجام این کار می‌توان همچنین از نسخه‌های خطی دیگر * ۲ شاهنامه و کتب قدیمی دیگری که حاوی بعضی از قسمت‌ها و ابیات اصیل شاهنامه باشند، استفاده نمود، زیرا در این صورت اندازه و معیاری برای سنجش اصالت نسخه‌های مختلف در اختیار قرار خواهد گرفت. همچنین می‌توان منابع مختلف دیگر مانند: طبری، ثعلبی، بلخی و غیره و

نیز فرهنگ‌های گوناگون را مورد استفاده قرار داد و از تفسیر (تحلیل) مشروح کامل متن شاهنامه با استفاده از کلیه‌ی شیوه‌های تحقیق علمی و انتقادی، بررسی فیلولوژیک (زبان‌شناسی) شاهنامه را آغاز کرد.»

(در مورد همین پاراگراف در پاورقی صفحه توضیح داده شده است که: «* ۲ در سال ۱۹۵۴ (میلادی) آقای سعید نفیسی نظر ی. برتلس را درباره وجود نسخه‌های قدیمی و خوب شاهنامه در قاهره که در سال ۱۹۹۶ هجری (چنانچه مرگ شاعر بزرگمان در سال ۴۱۰ هجری اتفاق افتاده باشد این نسخه حدود ۲۸۶ سال پس از مرگ شاعر به نگارش درآمده است) نوشته شده جلب نمود. میکروفیلم این نسخه پس از درگذشت ی. برتلس دریافت گردید. متن این نسخه با نسخه‌های دیگر که در چاپ حاضر مورد استفاده قرار گرفته است نزدیک می‌باشند. استفاده از این نسخه فقط از جلد چهارم چاپ حاضر شروع شده است. از آن جا که هنگام دریافت میکروفیلم نسخه‌ی قاهره کتابخانه‌ی اول و دوم و سوم چاپ حاضر در چاپخانه بود، اختلاف بین متن نسخه‌ی قاهره و کتابخانه‌ی چاپ شده بر آینده و در قسمت ملحقات آمده است.»

«این کار گسترده مربوط به آینده است. در حال حاضر، قدیمی‌ترین متن شاهنامه را به خوانندگان عرضه نموده‌ایم و این را باید به عنوان نخستین گام از مرحله‌ی تحقیق و بررسی متن شاهنامه به حساب آورده و پایه‌ای برای تحقیق‌های بعدی قرار دهیم. در این جا باید اقرار کنیم که البته در متن حاضر کمبودهای زیادی به چشم می‌خورد و کار اصلی هنوز کامل و هموار و سیال ندرده نشده است. ولی ما از این که تلاشمان را به کار بندیم و متن حاضر را «بهتر سازیم» و آن را «آسان خوانا» کنیم پرهیز نموده‌ایم. زیرا این کار به مقصود ما که تحقیق و نگارش قدیمی‌ترین نسخه‌ها و کهن‌ترین شیوه

تحقیق برای ترتیب و تدوین متن می‌باشد خلل وارد خواهد کرد. اگر هدف ما جز این بود، متن «آخرین» اثر فردوسی به وجود نمی‌آمد و ارزش کار پژوهشگران ما به هدر می‌رفت و چاپ متن حاضر به زمان نامعلوم دیگری محول می‌شد.»

«در متن حاضر (شاهنامه چاپ مسکو) سیستم نکر نسخه‌های بدلی با سیستم قبلی انتشارات غربی ((مثلاً چاپ ا. وولرس)) مطابقت دارد. بعضی از ویژگی‌های این سیستم در مقدمه‌ی روسی بیان شده است. در همان جا نیز رسم الخط نسخه‌های مورد استفاده نکر گردیده است.»

«در آغاز کار تمام متن این نسخه بر پایه‌ی نسخه‌های I, IV, VI و ترجمه‌ی بنداری به وسیله‌ی ل. گوزلیان ترتیب داده شد، ولی بعداً شیوه استفاده از این منابع تغییر یافت. تصمیم چنین شد که نسخه‌های بدلی کاملاً نکر گردد و کلیه‌ی بیت‌هایی که در نسخه‌ها وجود دارند، اما مشکوک یا از ملحقات به نظر می‌آیند، در متن بین دو هلال [] و یا در آخر متن در ملحقات ثبت شوند. به همین علت متن استخراج شده توسط ل. گوزلیان، بجز داستان منوچهر از بیت ۱ تا بیت ۱۲۲۸، که توسط او. اسمیرنوا تصحیح شده است، توسط آ. برتلس مورد مطالعه و تصحیح قرار گرفت. آ. برتلس همچنین متن ملحقات را نیز ترتیب داده است * ۴» (در مورد همین پاراگراف در پاورقی توضیح داده شده است که: «* ۴»

«پس از درگذشت ی. برتلس متن حاضر در موقع چاپ به نظر ع. فردوس رسیده و بعضی توضیحات از طرف او داده شده است.»

* * *

«مقدمه‌ی کمیسیون نشر متن انتقادی شاهنامه‌ی فردوسی»

متن بین دو هلال جای داده شوند، چنانکه در مواردی (مثلاً) عین این عمل اجرا شده است. با وجود این کمیسیون تصمیم گرفت این جلد را به همان شکلی که ی. برتلس به بنگاه انتشارات داد به چاپ برسد.»

«از این گذشته کمیسیون یادآور می‌شود که بنا بر نظریه‌ی ی. برتلس که بر آخرین اثر او «تاریخ ادبیات فارس - تاجیک» (* به صفحه ۲۰۱ حاشیه ۴۶ در شاهنامه‌ی چاپ مسکو مراجعه شود) دیده می‌شود، آخرین قسمت ملحقات که نه تنها در ترجمه‌ی البنداری بلکه در نسخه‌ی VI نیز وجود ندارد (* رجوع شود به ملحقات شماره X - بیت ۱ تا ۲۷ - گلشن رستم پیل سپیدرا - گویا از ملحقات بعدی است. در شاهنامه‌ی چاپ مسکو) قسمت ملحقات شماره X از بیت ۲۸ تا ۱۷۷ - رفتن رستم به کوه سپند - نیز در نسخه‌ی البنداری و نسخه‌ی VI (شماره ۲ فرهنگستان علوم شوروی) وجود ندارد.» مطلب زیر بیانی است با عنوان پیش‌گفتار که در جلد

فاحش نیست. چنین قسمتی از تدوین‌کنندگان نسخه‌ی چاپ مسکو در متن حفظ می‌کنند. * ۵» (در مورد این پاراگراف در پاورقی توضیح داده شده است که: «* ۵»

ی. برتلس: شاهنامه و انقلاب متن آن - مجله‌ی خاورشناسی شوروی - سال ۱۹۵۵ میلادی - شماره ۱ - صفحه ۹۶»

«والتی کمیسیون جلد اول متن انتقادی حاضر شاهنامه را، که در مرحله‌ی چاپ بود، مورد مطالعه قرار داد به این مسئله برخورد که متن قطعاتی که به ملحقات برده شده (* به ملحقات شماره I - IX صفحات ۲۱۴ - ۲۵۸ در شاهنامه‌ی چاپ مسکو مراجعه شود) بدون تفاوت و اختلاف اصولی در کلیه‌ی نسخه‌های مورد استفاده وجود دارند مگر ترجمه‌ی البنداری که فاقد آن‌هاست. بنابراین به موجب اصلی که بر پایه‌ی انتشار این متن قرار گرفته و توسط ی. برتلس بیان شده و پیش‌تر نیز به آن اشاره شده است، می‌بایستی این قسمت‌ها در

«به علت درگذشت ی. برتلس، که متن حاضر زیر نظر او تهیه شده است، اداره انستیتیوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی کمیسیونی از ی. براگینسکی عضو پیوسته‌ی فرهنگستان علوم تاجیکستان شوروی، ب. غفوروف عضو پیوسته‌ی فرهنگستان علوم شوروی و ع. فردوس تشکیل داد و تهیه و انتشار مجلدات دیگر شاهنامه را برعهده آن‌ها گذاشت.»

«به هنگام درگذشت ی. برتلس جلد اول و دوم متن انتقادی همین شاهنامه در مرحله‌ی ردگیری (تصحیح - ویراستاری) قرار داشت و نیز بعضی از مسائل مربوط به ترتیب و تدوین متن از سوی دانشمند فقید هنوز کاملاً برطرف نشده بود.»

«در اظهارنظرهای ی. برتلس مربوط به چاپ شاهنامه این جمله خودنمایی می‌کند: «* ۵» والتی ترجمه‌ی البنداری فاقد ترجمه‌ی قسمتی از شاهنامه است، اما این قسمت در کلیه‌ی نسخه‌های قدیمی وجود دارد و تفاوت و اختلاف آن‌ها نیز چندان



صفحه ۳۳۳

نوشته شده باشند) ۹۲ بیت وجود دارد و قطع صفحات این نسخه ۱۵ * ۲۴ سانتیمتر می‌باشد. متن کتاب به طور کلی با مرکب سیاه و سرفصل‌ها با خط زر نوشته شده است. تمام کتاب را یک نفر با خط

ریز که به سختی خوانده می‌شود و با سبک نگارش نسخ جلی بسیار زیبا که در آن بعضی عناصر خط شکسته و نستعلیق هم به کار رفته‌اند، خوش‌نویسی کرده است. تقریباً در همه جا اصول نقطه‌گذاری روی حروف رعایت شده است. حرف «س» و «ش» هم نندانه‌دار و هم کشیده یعنی گاهی به خط «نسخ» و گاهی به خط نستعلیق نوشته شده و این تناوب در نگارش بعضی از حروف دیگر مانند، ن، ی، ه، ر، ل، هم دیده می‌شود. حرف‌های، ج، ث، در این نسخه فقط یک نقطه دارند. از اول تا آخر کتاب یکی از عناصر مهم سبک نگارش قدیم حفظ گردیده و حرف دال منقوله، نه نوشته شده است. عناوین و سرلوحه‌های متن در همه جا با خط ثلث طلایی زیبا و فقط عنوان‌های کتاب به خط کوفی به نگارش درآمده است. متن کتاب در بسیاری از قسمت‌ها کثیف شده و یا از بین رفته و برخی از صفحه‌های آن چروک خورده و خواندن برخی از سطرها و کلمه‌ها به سختی امکان‌پذیر است. در برخی از صفحه‌ها روی سطرها کاغذ چسبیده و با این ترتیب خواندن آن‌ها غیر ممکن شده است.

«ادامه در شماره آینده»

جلد اول و دوم شاهنامه تدوین گردیده و در چاپخانه حروف‌چینی شده بود و جلد سوم نزدیک به پایان بود. به همین جهت متأسفانه از متن نسخه‌ی خطی کتاب خانه‌ی قاهره در سه جلد اول استفاده نشد. تطبیق نسخه‌ی قاهره با نسخه‌های دیگر از جلد چهارم امکان‌پذیر گردید. اینک شرح مختصری درباره نسخه‌ی خطی کتاب خانه‌ی قاهره از نظر خوانندگان می‌گذرد:

«نسخه‌ی خطی شاهنامه‌ی فردوسی در کتابخانه‌ی قاهره تحت شماره C40 نگاهداری می‌شود. نسخه‌ی یاد شده با قطع ۲۳*۳۶ سانتیمتر دارای ۳۶۳ برگ می‌باشد و دوباره صحافی شده است و جلد چرمی قهوه‌ای رنگ و محکم و صاف دارد. جلد و اوراق اول کتاب در کتابخانه‌ی قاهره صحافی شده است. پای صفحه‌ی اول با خط زر کلمه‌ی (* شاهنامه *) و در زیر آن تاریخ فارسی ۷۳ نوشته شده است. نوع کاغذ این نسخه از نوع مرغوب و شفاف ایرانی است که با گذشت زمان زرد و کثیف شده است.»

«شماره‌های اوراق از اول تا آخر نسخه مرتباً گذارده شده‌اند. متن در شش ستون و در میان چهارچوب (کادر) طلایی قرار گرفته است. در میان ستون‌ها که از دو - چهار خط تشکیل شده فاصله‌ی اندکی که به سختی تشخیص داده می‌شود، به چشم می‌خورد که با خط پر شده است. در هر ستون ۲۱ سطر جای داده شده است و بدین ترتیب در هر صفحه‌ی کتاب در صورتی که سرلوحه (تیتر) و یا مینیاتور نداشته باشد (و فقط بیت‌ها پشت سر هم

چهارم شاهنامه‌ی چاپ مسکو آمده است و انتشارات شاهنامه به منظور امانت‌داری عین متن را، اما با مختصر تغییرات ظاهری چنان‌چه احتیاج بوده است نقل کرده است.»

پیش‌گفتار محققان روسی در مورد نسخه‌ی خطی شاهنامه‌ی قاهره

«در سال ۱۹۵۶ میلادی استاد سعید نفیسی دانشمند و نویسنده شهیر ایرانی با شیوه کار ترتیب‌دهندگان این متن انتقادی شاهنامه آشنا شدند و ضمن توصیه‌های بسیار مفید و پرارزش خود پیشنهاد کردند که برای تصحیح متن شاهنامه نسخه‌ی خطی دیگری را که در کتاب خانه‌ی ملی (دارالکتب القاهره) قاهره موجود است مورد استفاده قرار ندهیم.»

«به عقیده استاد سعید نفیسی متن این نسخه‌ی خطی بسیار عالی که در قرن XIV (چهارم) میلادی نوشته شده است از روی نسخه‌های قدیمی‌تری استنساخ شده است و یکی از نسخه‌های بسیار نزدیک به متن اصلی شاهنامه می‌باشد. این‌جانب در سال ۱۹۵۸ میلادی به هنگام مسافرت خود به قاهره میکروفیلم کاملی از این نسخه تهیه کرده با خود به مسکو آوردم. اما در آن موقع دو



از طبرستان تا مازندران

که مازندران شهر ما یاد باد همیشه بر و بومش آباد باد

حال که نام شاعر بزرگ و ملی ما، فردوسی، برای مجله‌ای به همین نام انتخاب شده است و تعداد زیادی از رویدادهای حماسی شاهنامه نیز در سرزمین همیشه سرسبز مازندران اتفاق افتاده‌اند، بی‌مناسبت ندیدیم که مطلبی درباره مازندران نداشته باشیم تا با یک تیر به دو هدف بزنیم. نخست شهروندان مازندرانی را به فرستادن مقالات علمی و مستند از فرهنگ بومی، سنتی و اجتماعی آن دیار پرور از میراث‌های فرهنگی گران‌قدر گذشته تشویق کنیم و دوم به معرفی شخصیت‌های فرهنگی بپروازیم که از مازندران و طبرستان سخن گفته‌اند.

برنج است و مامی و بام خانه‌هاشان همه سفال سرخ است از بسیاری باران که آنجا آید، به تابستان و زمستان و شهرک الهم و شهرک چالوس و شهرک روزان و شهرک نائل و شهرک کلار و ناحیت کوش از ناحیت طبرستان است.

یاقوت در معجم‌البلدان می‌نویسد: «طبرستان را مازندران نیز نامند و ندانم که از چه تاریخ نام مازندران را بر طبرستان نهاده‌اند این قیغه در ادب الکاتب می‌نویسد: معنای طبرستان، یعنی گیرنده طبر، بدین جهت که وجود تیر در مازندران برای قطع خارها و از بیخ و بن کندن درختان از رهگذر مردم و برطرف ساختن این قبیل از ضروریات زندگی بشمار است و لفظ طبرستان، عربی مازندران است.»

به گزارش «این اسفندیار»، مازندران را در اصل (موزاندرون) می‌گفتند یعنی ولایت (درون کوه موز) و موز نام کوهی بوده که از حد گیلان

«حمدالله مستوفی» در «مرآت البلدان ناصری» می‌نویسد:

«طبرستان ولایتی است مشتمل بر بلاد قدیمیه و قصبات عظیمه، جبال سخت و بیشه‌های پربرخت، به کثرت آب و هوا مشهور، هوای بعضی بلاد آن مایل به گرمی و بیشتر شهرهای آن را هوایی معتدل است. میوه‌های گرمسیری و سرسبیری در آن بسیار. به زعم بعضی «طهمورث» در آن بنای آبادی نهاده. آمل و ساری و قلعه مور از قدیم بوده و در عهد «افراسیاب و کیقباد» همین نام داشته است.

دهخدا در لغتنامه‌ی خود به نقل از کتاب حدود العالم می‌نویسد:

«طبرستان مرکب از (طبر + ستان) مزید مؤخر مکان لغت به معنی مکان طبر (تهورها) و تهور نام قوم قدیمی ساکن آن ناحیت بوده است. ناحیتی است بزرگ. از این ناحیت دیلمان و حدش از چالوس است تا تمیشه و این ناحیتی است آبادان و بسیار خواسته و بازرگانان بسیار و طعامشان بیش‌ترین نان و